

همه ، هرگز زندگی خود را به پستی‌ها و کوته نظری‌هایی که بگانه محرک دیگران بوده نیالوده است .

شعرا و سرایندگان در مدح آن مرحوم اشعار نغز و بلندی سروده و در ضمن آنها خصلت‌های برجسته او را ستوده‌اند . در میان این اشعار ، قصیده‌ای از مرحوم شیخ یحیی است و از آنجائیکه شاعر در این قصیده از ابتلاآت و پیریشانی خود سخن گفته و به گرفتاریها و ناملازمات عمومی که گریبانگیر جامعه آن روز شده بود ، اشاره کرده است ، از این نظر جنبه تاریخی دارد ، و ما برای ضبط در تاریخ در اینجا می‌آوریم .

### از مقال آقا شیخ یحیی

آنکه کرده کل عالم را منور همچو خور  
آنکه گشته صیت علمش از زمین تا آسمان  
زان سبب شد شهر دار العلم گلزار جهان  
کز نسیمش مرده در یابد حیات جاودان  
بینم اینک گشته دار العلم فردوس برین  
میرساند بر مشام دوستان بوی جهان  
بینم اینک خلق دار العلم از برسا و پیر  
همنشین عیش گردیدند و غم رفت از میان  
با خرد گفتم چه باعث شد که مردوزن همه  
همنشین عیش گردیدند و غم رفت از میان  
گفت باشد باعث شادی از آن ملجاء خلق  
حجة الاسلام صالح آیت الله زمان  
دشمن اعدای دین است و ملاذ المسلمین  
آن سنی حضرت جعفر امام شیعیان

علم او چون بحر مواجی است کز هر موج آن  
می‌شود جاری هزاران موجهای بیکران  
آسمان از افترا ن چارماد و هفت باب  
ناورد هرگز بمثلش بکفرین در صد قران  
آنکه در مجلس نشیند چون بدرس هر دم رسد  
آفرینها از ملائک از زمین تا آسمان  
جمله طلاب او ارباب فضلند و کمال  
جمله اعلام الهدی هر یک برای کمرهان  
من یقین دارم که در هنگام تخریرش رسد  
بخ بیخ گویان فرود آیند هر یک ز آسمان  
باشد او را یک برادر صدر مجلس متصل  
ریزد از هر نطق خود دودر میان جانان  
آن سنی قبله هفتم امام هشتمین  
می‌کند تسایید او را دائما در لامکان  
قره العینش که گشته او بهاء دیدگان  
می‌کند عالم منور او ز علم خود بدان  
بر جمال و بر جلالش دائما بادا جلال  
تا کنند از علم خود روشن تمام این جهان  
آیت الله زمان آوازه علمت گرفت  
میرساند علم تو هر دم بجان مرده جان  
ای ز فکرت شمع روشن بر توی از جوهرت  
ای ز مغز فطرتت یک عطسه ات باد جانان